

«هفته هنر تیر»؛

نماد پیشرفت هنر تجسمی در ایران



علیرضا بخشی استوار

«هفته هنر تیر» این روزها با مشارکت ۲۱ گالری در تهران برگزار می‌شود. رویدادی که در ادامه آرت‌فر «تیر آرت» برنامه ریزی شده و در حال برگزاری است. رویداد اخیر دو تفاوت عمده با برنامه‌ای دارد که پیش از این تحت عنوان «تیر آرت» برگزار شد. از درجه بررسی این دو تفاوت عمده می‌توان به نکات مثبت و تاثیرگذار هفته هنر در تهران پرداخت.

«تیر آرت» اساساً رویدادی بر مبنای دیگر آرت‌فرهای هنری بود که در آن بیشتر معرفی گالری، هنرمند و از سویی فروش آثار اهمیت داشت. این رویداد بر اساس پلان‌های اقتصادی برخی گالری‌های تهران طراحی شده بود و البته در آن ۱۰ گالری بیشتر حضور نداشتند.

اما «هفته هنر تیر» رویدادی بر مبنای معرفی هنر است و جنبه

های اقتصادی در آن کمتر است. اگر چه در این رویداد هم باز این گالری‌ها و گالری‌سست‌ها هستند که در مرکز توجه قرار دارند اما به واسطه این نوع از معرفی، بخشی از فعالیت‌های هنرمند نیز مورد توجه واقع می‌شود.

همکاری و همگرایی تعداد بسیاری از گالری‌های تهران منجر به آن شده است تا این هفته به شکلی پر آوازه‌تر در سطح شهر رقم بخورد. تعداد و میزان بالای رویدادها در سطح شهر، به واسطه طراحی این هفته هنری منجر به برخورد بخش بیشتری از مردم با این حوزه از هنر می‌شود. این دست رویدادها اگر چه در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد، اما در ایران طی چند سال اخیر و به واسطه رشد برخی از گالری‌های جوان که موج‌نوی گالری‌داری در ایران را به وجود آورده‌اند، شکل و شمایل نو و تازه‌ای دارد. در واقع این جریان در ایران بسیار جریان

نوپایی است، اما متناسب با همین نوپایی توانسته بخش زیادی از استانداردهای بین‌المللی در زمینه برگزاری چنین رویدادهایی را رعایت کند.

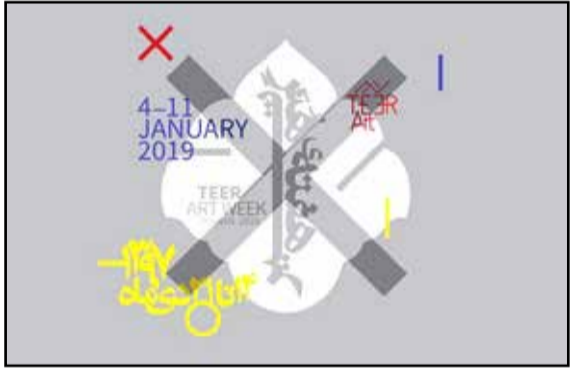
این رویداد متناسب با نیازهای روز جهان در حوزه هنر تجسمی و توجه گالری‌داران به بخش اقتصاد هنر به وجود آمده است. اما افرادی این رویداد را طراحی و برگزار کرده‌اند که اطلاعات و آگاهی به روزی از رخدادهای هنری مهم جهان در دوران معاصر دارند. این گالری‌ها پس از گذران روند مشخصی در داخل، در سال‌های اخیر فعالیت‌های بین‌المللی بسیاری را در کارنامه خود به ثبت رسانده‌اند و حالا متناسب با این تجربه‌ها و به واسطه برخورد با جریان‌های نوین در هنر تجسمی نسبت به برگزاری چنین رویدادی اقدام کرده‌اند.

اگر چه گالری‌ها به عنوان یک

فضای الیت و فریخته این روزها محل رفت و آمد قشر و طبقه‌ای مشخصی هستند اما این رویداد به واسطه طراحی که صورت گرفته، شکلی بومی و شاید مردمی‌تر پیدا کرده است.

شاید مردمی دانستن و یا مردمی کردن چنین رویدادی غیر قابل امکان باشد و البته برگزار کنندگان این موضوع نیز به چنین نکته‌ای واقف باشند اما پر واضح است که

«هفته هنر تیر» در ابتدای مسیر خودش صرفاً به شکلی بومی حرکت خود را به سوی جلو گسترش می‌دهد و با جافتادن این مدل در داخل کشور است که می‌توان به آینده بین‌المللی رویداد در یک دوره پیوسته می‌تواند آن را به یک فضای شناخته شده در منطقه خاورمیانه بدل کند. آن چنان که آرت‌فر «دبی» چنین ویژگی را پیدا کرده است. در حالی که پتانسیل



«هفته هنر تیر» رویدادی بر مبنای معرفی هنر است و جنبه‌های اقتصادی در آن کمتر است. اگر چه در این رویداد هم باز این گالری‌ها و گالری‌سست‌ها هستند که در مرکز توجه قرار دارند اما، بخشی از فعالیت‌های هنرمند نیز مورد توجه واقع می‌شود

های رویداد «هفته هنر تیر» بسیار بیشتر از رویدادی چون «آرت‌فر دبی» است.

به واقع عملکرد گالری‌های جوان ایران و هنرمندانی که در آن‌ها فعالیت می‌کنند در یک آمار نسبی و در مقایسه با دیگر کشورهای جهان، عملکرد مثبت و قابل قبولی است. سطح آثار و شکل پروژه‌هایی که در این هفته هنر و در طول سال، در گالری‌ها نمایش داده می‌شود با اندکی تساهل، کم‌از رویدادهای مهم بین‌المللی ندارد. سطح کیفی و شکل پرزنت آثار تجسمی در ایران امروز به گونه‌ای است که می‌تواند به عنوان بخشی از بدنه هنر تجسمی در دنیا به راحتی معرفی شود و در چنین واقعیتی نمی‌توان شک کرد.

بالا رفتن سطح کیفی هنر تجسمی در ایران، شیوه‌های به روز شده گالری‌داری و از سویی طراحی برنامه‌هایی همچون هفته هنر تیر که فعلاً جایی برای بیان سویه‌های منفی نقد درباره آن نیست و بیشتر به واسطه ایجاب‌ها و ضرورت‌ها باید نکات مثبت آن را پیش کشید، همه از تغییر جایگاه هنر تجسمی ایران در جهان سخن می‌گویند.

«هفته هنر تیر» که یک رویداد قابل تامل است ۱۴ تا ۲۱ دی ماه برگزار می‌شود و گالری‌های آب، انبار، آتین، آران، آرت سنتر، آ‌اثر، اعتماد، اف‌اند، ای‌جی، ایرانشهر، دستان، دلگشا، راه‌برش، سیحون، شیرین، طراحان آزاد، محسن، هما، هور و پروژه‌های ۰۰۹۸۲۱ با نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی در این رویداد شرکت دارند.

معیار انتخاب نقاشی‌های جشنواره فجر چیست؟

آثار رشته نقاشی یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر برای حضور در نمایشگاه این رویداد هنری، در چهار مرحله انتخاب می‌شود که دو مرحله آن به پایان رسیده است. به گزارش سستاد اطلاع‌رسانی یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، دو مرحله از انتخاب آثار رشته نقاشی یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر در تاریخ‌های ۱۴ و ۱۶ دی ماه با حضور احمد و کیلی دبیر این رشته و فرح اصولی، کاظم چلیپا، مهرداد خطایی، علیرضا آدم‌یکان و خسرو خسروی از داوران این رشته برگزار شد. در مرحله اول ۲۰۹ اثر و در مرحله دوم ۱۳۸ اثر از ۹۸ هنرمند انتخاب شدند تا در ۲۴ دی ماه مرحله سوم انتخاب آثار برای حضور در نمایشگاه رشته نقاشی جشنواره هنرهای تجسمی فجر برگزار شود.

احمد و کیلی دبیر رشته نقاشی یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با بیان اینکه در این رشته ۱۳۲۴ نفر با ارسال ۳۰۷۰ اثر شرکت کرده‌اند و اشاره به اینکه رشته نقاشی تنها رشته‌ای است که داوری آثار آن در ۴ مرحله انجام می‌شود، گفت: در مرحله اول و دوم داوری، تصاویر ارسالی آثار را بررسی کردیم و از میان بیش از ۳ هزار اثر دریافتی، تعدادی اثر را انتخاب کردیم.

کیلی افزود: کیفیت آثار ارسالی به جشنواره بسیار خوب بود اما به دلیل کمبود فضای نمایش، مجبور هستیم تعداد کمی از آثار را انتخاب کنیم. با وجود این تلاش ما بر این است که بیشترین تعداد آثار با کیفیت را در جشنواره نمایش دهیم. در مرحله بعدی آثار نهایی انتخاب می‌شوند و بعد از این مرحله از هنرمندان می‌خواهیم آثارشان را به دبیرخانه ارسال کنند تا آنها را از روی اصل اثر داوری کنیم.



وی درباره کیفیت آثار رسیده به این دوره از جشنواره بیان کرد: در این دوره شاهد این بودیم که گرایش هنرمندان به آثار فیگوراتیو بیشتر از آثار انتزاعی بود. با توجه به اینکه هیچ موضوع و رویکرد خاصی برای آثار در نظر گرفته نشده بود، و این که آثار از سراسر ایران ارسال شده‌اند، به نظر می‌رسد گرایش به فضای فیگوراتیو در میان هنرمندان نقاش رایج‌تر است.

او گفت: من در این دو مرحله درخواست کردم تمام مشخصات هنرمندان حذف شود تا بدون شناخت و پیش‌داوری درباره آنها، به داوری و انتخاب اثر بپردازیم. بنابراین نمی‌دانیم از کدام استان‌ها آثار بیشتری به جشنواره راه خواهد یافت. من از این جلسه داوری و نوع آن دفاع می‌کنم زیرا همه داوران با دقت زیاد به بررسی آثار پرداختند تا آثار برتر را انتخاب کنند.

کاظم چلیپا یکی از داوران این بخش نیز درباره ملاک‌های انتخاب آثار بیان کرد: آنچه برای داوران اهمیت دارد این است که آثار با کیفیت بالا را انتخاب کنیم. حال این آثار ممکن است معناگرا باشند یا گرایش واقعگرا داشته باشند، روایتگر باشند یا انتزاعی باشند. سعی می‌کنیم آثاری را انتخاب کنیم که نشان دهند هنرمند به خوبی تعلیم دیده و شناخت خوبی از هنر نقاشی دارد. مهرداد خطایی دیگر داور رشته نقاشی نیز درباره ملاک‌های انتخاب آثار این رشته گفت: سیاست کلی بخش نقاشی این بود که معاصر بودن آثار را مد نظر قرار دهیم اما در مجموع آثاری را انتخاب می‌کنیم که ساختار درستی داشته باشند، نسخه‌برداری از جایی نباشند، مستقل باشند، ترکیب‌بندی درست و زیبایی‌شناسی درست داشته باشند و مهم‌تر از همه ایده خلاقانه و نگاه متفاوت داشته باشند. زیرا این آثار روی دیوار می‌روند و به ملاکی برای هزاران جوان دیگر تبدیل می‌شوند.

علیرضا آدم‌یکان نیز در تکمیل صحبت‌های خطایی درباره پیشرو و معاصر بودن آثار هنری گفت: شاید در بخش نقاشی نتوان پیشرو بودن یک اثر را تشخیص داد زیرا در جهانی زندگی می‌کنیم که سبک‌های مختلف و انواع ایسم‌ها در آن وجود دارد. در مدیوم‌های دیگر مانند مجسمه‌سازی بهتر می‌توان پیشرو بودن اثر هنری را شناسایی کرد.

نگارخانه

نگاهی به نمایشگاه عکس‌های «کامران شیردل» در مرکز نبشی

انقلاب به روایت مردم، منهای سیاست

رضابخشی

عکس‌های کامران شیردل از روزهای منتهی به انقلاب اسلامی با عنوان «حوالی انقلاب در پرسه‌های کامران شیردل» این روزها در مرکز نبشی به نمایش درآمده است. کامران شیردل به واسطه فیلم‌های مستندی که ساخته است، شهرت دارد. او در دورانی به عنوان یک منتقد هم فعالیت کرد. توجه به وجه فیلمساز بودن این هنرمند در تشریح و تفسیر عکس‌هایی که از انقلاب اسلامی ثبت کرده اهمیت دارد.

کامران شیردل در وهله نخست به عنوان یک پرسه‌زن شهری، در روزهای انقلاب در جست و جوی تصاویر مد نظر خود پای در خیابان می‌گذارد. او به واسطه این پرسه‌زنی تصاویری را از روزهای منتهی به انقلاب ثبت کرده که حیات معمول روزهای انقلاب که مانند یک الگودر ذهن همه ما نقش بسته، در آن نمودی ندارد.

در تفسیری صحیح‌تر عکس‌های کامران شیردل سیاست‌زدایی شده است. او به انقلاب به عنوان یک عمل سیاسی برخورد است. او انقلاب را به عنوان یک عمل سیاسی به عنوان یک جامعه شناس سیاسی و مدار و وجه سیاسی یا اجتماعی آن دوران را به نقد بکشد. او آن چه که هست را روایت می‌کند اما از زاویه نگاه خودش.

عکس‌های او با واسطه انقلاب را روایت می‌کند. او از نوعی تغییر صحبت می‌کند که به واسطه تصویر زندگی مردم نمایان می‌شود. مانند بده‌بستان‌های روزانه در صف‌های خرید کالا، آلودگی شهری و یا در کنار هم قرار گرفتن عناصر اعتقادی متضاد. مثلاً او در تصویری آن چه از یک تظاهرات در خیابان طالقانی باقیمانده را ثبت کرده است. یا در مسیر حرکت اتومبیل‌های حاضر در خیابان به شکلی نامحسوس اسلحه‌هایی که در اتومبیل‌ها وجود دارد را ثبت کرده است. شیردل در تصویری که در پمپ بنزین ثبت کرده است به آشوبی اشاره می‌کند که به واسطه برهم ریختگی اشیاء در محیط نمایان است.

او حتی با حضور در راهپیمایی‌ها بیشتر نوعی تیپ نگاری کرده است. او پرداختن به لباس‌ها، وسایل مورد استفاده و بیان شکل روابط انسان‌ها در دل یک انقلاب را بر خود عمل انقلابی ارجح دانسته است.

شیردل نه یک عمل در دورانی مشخص، بلکه کلیت یک دوران را مستند کرده است. بی‌آن که بخواهد به عنوان یک جامعه‌شناس یا سیاست‌مدار و وجه سیاسی یا اجتماعی آن دوران را به نقد بکشد. او آن چه که هست را روایت می‌کند اما از زاویه نگاه خودش.

عکاس البته تصاویر منحصر به فردی از لحظات شناخته شده برای همگان هم به تصویر کشیده است. نمونه آن لحظه ورود امام خمینی (ره) به ایران و البته حضور او در بهشت زهرا است. او لحظه ورود امام را از نمای دور روایت می‌کند به گونه‌ای که تصویری از کلیت هواپیما، آدم‌های پای پله‌ها و حضور امام را در یک تصویر به شکلی یک جا می‌بینیم. یا او به تاثیر حضور امام در بهشت زهرا بر روی ظاهر و عمل آدم‌ها پرداخته است. نه به خود ماجرای حضور امام خمینی (ره).

از دریچه همین ویژگی‌هاست که عکس‌های شیردل منحصر به فردی می‌نمایند. شاید برای همه ما به دلیل تکرار متعدد و متکثر تصاویر انقلاب در رسانه‌های مختلف، دیدن تصاویر انقلاب همراه با نوعی اشباع‌شدگی باشد و یا گنجایش معانی و مفاهیم مستتر در آن به مرز مشخصی رسیده باشد. اما عکس‌های شیردل به دلیل زاویه نگاه متفاوتی که دارد مرزهای جدیدی را در فهم و نگاه به انقلاب ایجاد کرده است.

او زیبایی‌شناسی خاص خود را در عکاسی مستندی پی می‌گیرد و به دنبال مفاهیم مورد نظر خویش می‌رود، بی‌آن که مرعوب یا مجذوب حوادث انقلابی شود. این طمانینه

موجب شده تا او بتواند در دورانی که همه تنها و تنها با یک زاویه دید مشخص و از منظری کاملاً سیاسی و تبلیغاتی به مستند کردن انقلاب می‌پرداختند، بسا تصاویرش ما را به دل اجتماع انقلابی ببرد. به آن فضاهایی که زندگی روزمره مردم در آن شکل می‌گرفته است. فضاهایی که منفک از خیابان‌های شلوغ و پر از دحام تهران هم طعم زندگی را در خود داشتند.

این نگاه متفاوت می‌تواند آفاق‌های متفاوت و جدیدی در فهم شرایط و چگونگی زندگی مردم در روزهای انقلاب به دست بدهد. این تصاویر اگر چه شاید حقیقت محض آن روزها نباشند و واقعیتی باشند که شیردل در آن روزها با آن مواجه شده و به



تصویر کشیده است اما مهم‌ترین حسن آن در آن است که زاویه دید مانسبت به یک دوره حیاتی در تاریخ ایران را گسترش می‌دهد. در یک کلام شیردل توانسته در این عکس‌ها انقلاب اسلامی را به واسطه ثبت زندگی روزمره و عادی مردم و از سویی با توجه به تاثیرات انقلاب بر فضاهای مختلف شهری روایت کند. نه از دریچه خود راهپیمایی‌ها یا گردهمایی‌هایی که هر کسی می‌توانست آن‌ها را تنها با داشتن یک دوربین به ثبت برساند. البته که ثبت آن راهپیمایی‌ها هم برای حافظه تاریخی ما ضروری و مهم به نظر بیاید. عکس‌های کامران شیردل، انقلاب به روایت مردم، منهای سیاست است.